

# هنر معماری

## هنر کمینه

هومن شریف

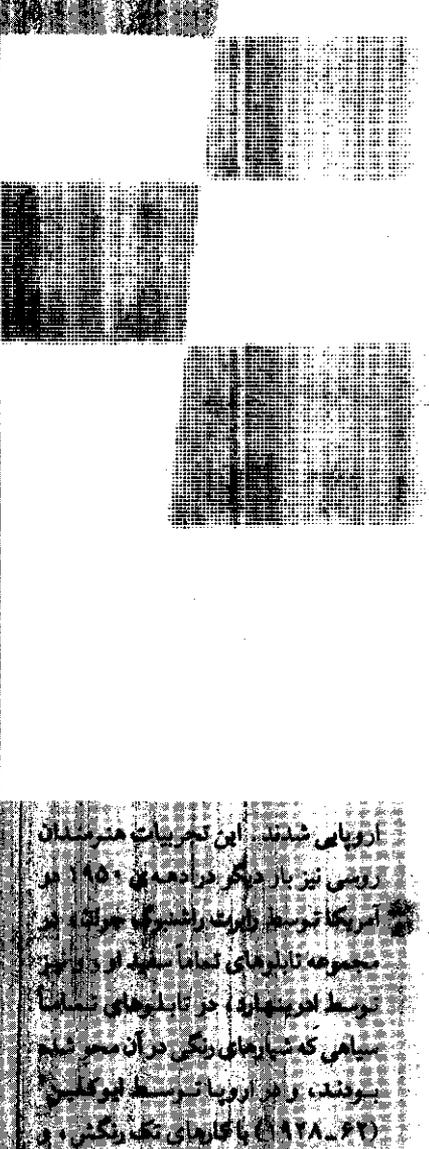
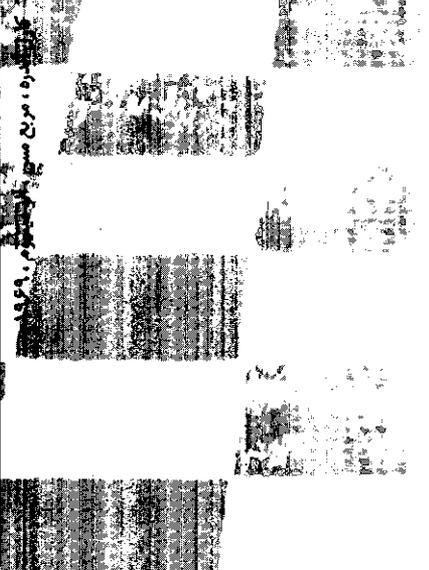
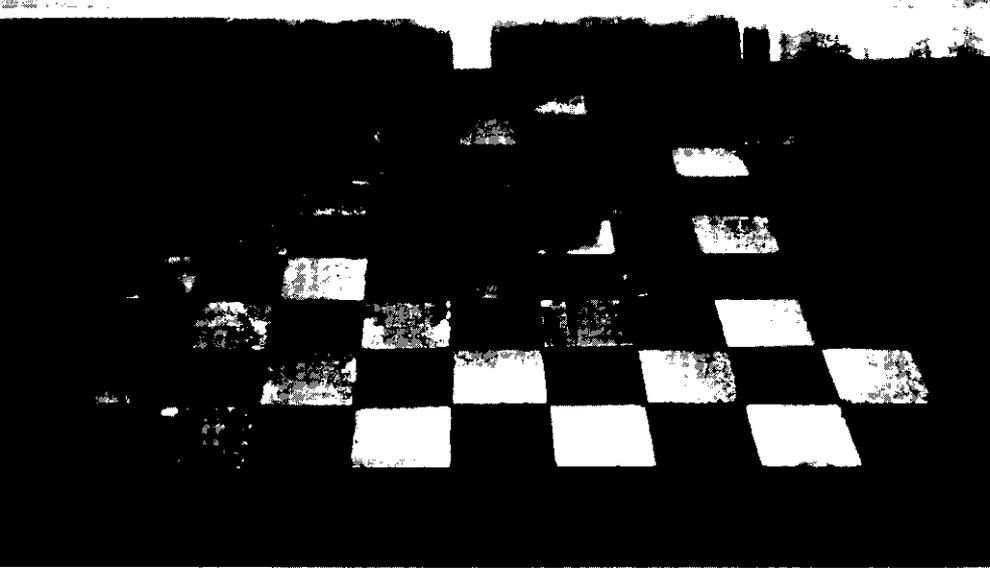
رشد آموزش هنر  
۴۶  
دوره پنجم / شماره چهار  
تابستان ۱۳۸۷

برشکوه، هنرمندان «ساختارگرا»، هم در  
معرضه‌ی معماری و هم در نقاشی و  
مجسمه‌سازی، گرایش‌های متکی بر  
تخلیصه‌نمایی و هندسه‌گرایی را در  
آثارشان متظاهر ساختند. برای مثال، آثار  
مایومچ مانند «سفید روی سفید» و  
منطقه از ایجاز در هنر یا مطرح ساختند  
که بعدها منبع الهام سایر هنرمندان

لیبکه‌ای و جفت‌کاری را شامل می‌شد  
که هدف آن، توضیح مجدد مسائلی چون  
فضا، فرم، مقیاس، و محدوده بود. در  
نتیجه، هرگونه بیانگری و توهم بصری را  
نهی می‌کرد [پاکباز، ۱۳۷۹: ۵۶۵].  
هنر بی‌مال یا هنر موجز را نیز باید  
مولود هنرمندان دوره‌ی پس از انقلاب  
اکتیسر رویه دانست. در این دوره‌ی

از این اصطلاح برای توصیف  
گرایشی در نقاشی و به ویژه مجسمه‌سازی  
استفاده می‌شود که طی دهه‌ی ۱۹۵۰  
ظهور یافت و در آن، فقط از اصلی‌ترین  
فرم‌های هندسی استفاده شده بود [ایان،  
۱۳۸۰: ۲۱۲].

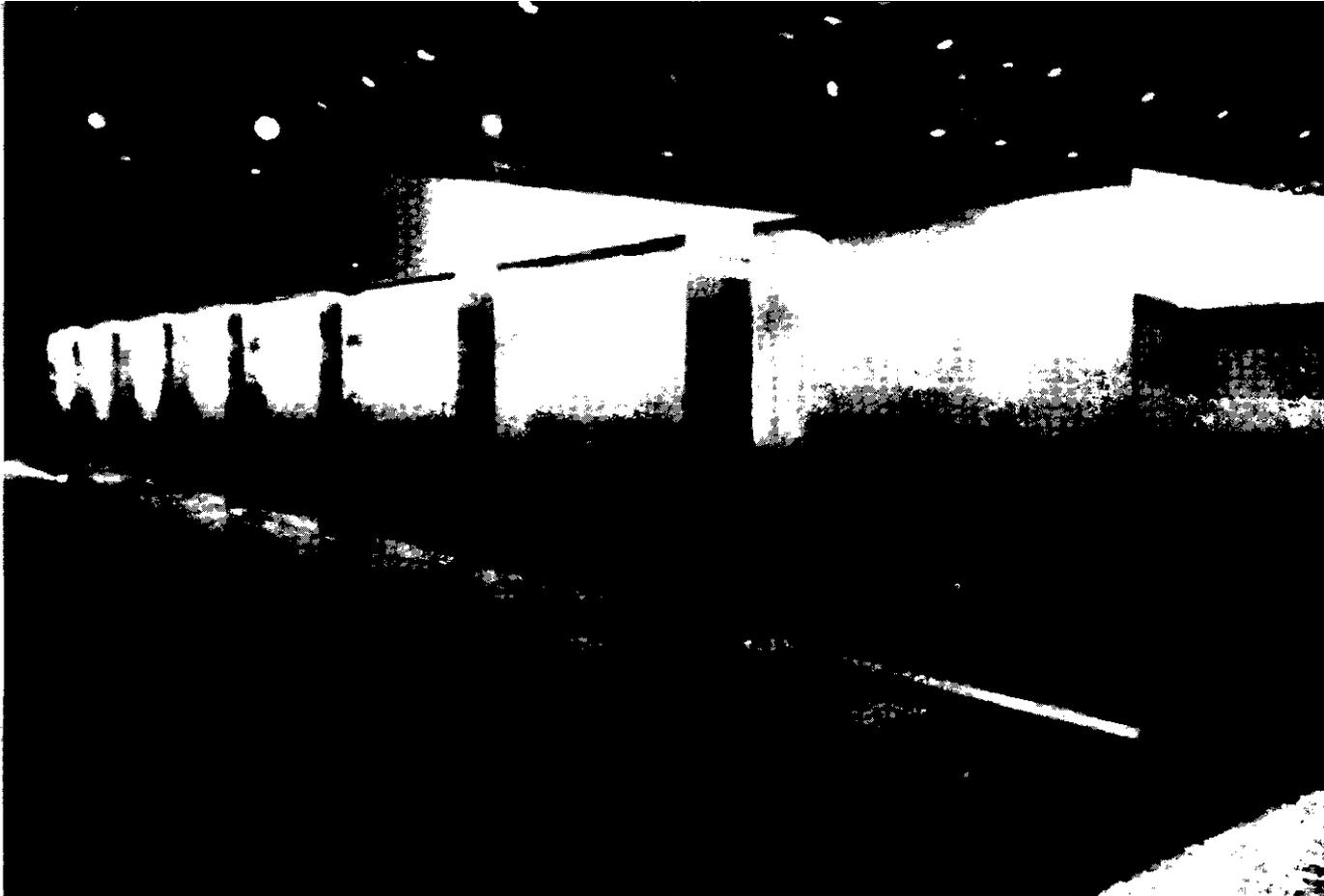
پژوهش‌های پیروان این جنبش انواع  
ساختارهای مدولی (بودمانی)، فضایی،



دوره پنجم، گالری گوردن لاکسلی

رشد آموزش هنر  
 ۴۷  
 دوره پنجم / شماره چهار  
 تابستان ۱۳۸۷

آرویایی شدند. این تجربیات هنرمندان  
 روسی نیز باز دیگر در دهه پن ۱۹۵۰ در  
 آمریکا توسط رابرت راشنبرگ، جرات، بر  
 مجموعه تابلوهای تعدادی سفید او در این  
 توسط هنرمندانی در تابلوهای تعدادی  
 سیاهی که شماره‌های رنگی در آن صحرای  
 بودند، در اروپا توسط آبروگلسن  
 (۱۹۶۰) و کارهای تک رنگش، در



دورانک جاد، هشتم چینه  
مجموعه خصوصی

شماره ۴۸  
دوره پنجم شماره چهار  
تابستان ۱۳۸۸

نیز توسط پیرو مانتزونی<sup>۵</sup> (۶۳-۱۹۳۳)،  
در مجموعه‌ی «آکروم»، مجدداً به  
صورت دیگری به کار گرفته شد.

هنرمندان دیگری که به شیوه‌ی  
مینی مال یا شباه آن نقاشی می‌کردند،  
مهارت بودند از: رابرت ریمن<sup>۶</sup> (متولد  
۱۹۳۰) که روی بوم کشیده نشده بر  
چارجوب، با استفاده از میناکاری روی  
شش کار می‌کرد، و اگنس مارتین<sup>۷</sup> (متولد  
۱۹۱۲) که آکاری را با ترکیبی از شیارهای  
تقریباً ناپیدا روی زمینه‌ی ساده و تک‌رنگ  
ساخت.

جنبش مینی مالیسم، فراگیرترین تأثیر  
نمود را در ایالات متحده برجای گذاشت  
و به سرعت به یک پدیده‌ی تازه‌ی هنری  
بسیار عمده با آثار معمولاً سه بعدی به  
جای دو بعدی تبدیل شد. در این جریان،  
نخست باید از ریچارد سرا<sup>۸</sup> (متولد ۱۹۳۹)  
یاد کرد که یک مرحله‌ی نسبتاً سنتی از  
پوش مینی مالیسم را در آثاری مشابه  
کارهای دیوید اسمیت به ظهور رساند.  
قطعات حجمی که او در سال‌های ۷۰-

۱۹۶۸ ساخت، کیفیتی پویا ناشی از  
ناپایداری کلی حجم را ارائه می‌کنند؛  
اگرچه این حجم‌ها از نظر شکلی غالباً  
متقارن هستند. مجموعه‌های فضایی  
خارجی او، به ویژه اثر نه‌چندان معروفش  
به نام «طاق در نوسان»<sup>۹</sup>، مدت‌ها به خاطر  
تأثیر حسی و روانی تهدیدکننده‌اش باعث  
بحث‌های جنجالی شد. در بسیاری از آثار  
سرا، یک عنصر فرورانشانده‌ی  
اکسپرسیونیستی به طور محسوس ادراک  
می‌شود که از این نظر، جایگاهی متفاوت  
در میان هنرچندان مینی مالیست به او  
می‌دهد.

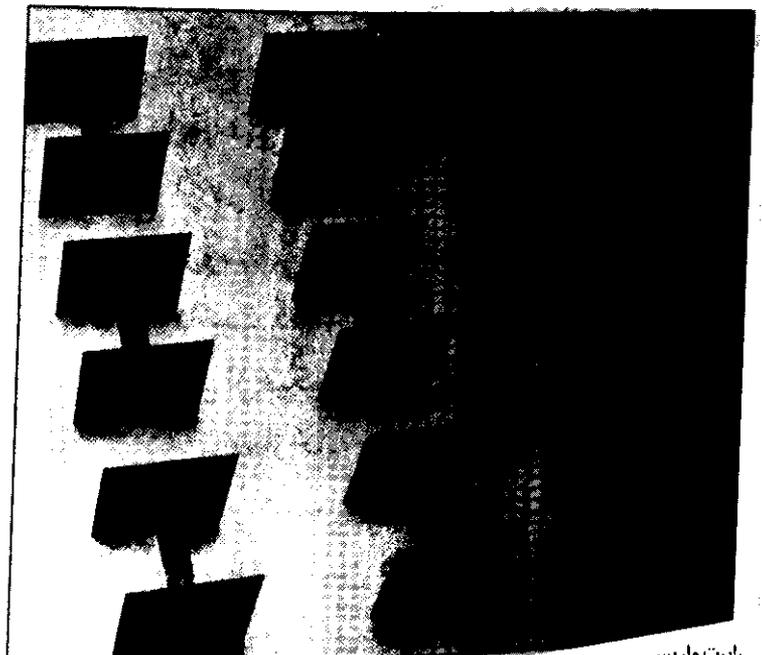
اما جریان اصلی مینی مالیسم  
آمریکایی را باید در جای دیگری  
جهت‌یابی کرد. در این مسیر، ابتدا باید  
به تونی اسمیت<sup>۱۰</sup> (متولد ۱۹۱۲)،  
آرشیستکتی که شاگرد معمار بزرگ  
مدرنیست، فرانک لوید رایت<sup>۱۱</sup> بود و بنا  
ورود به عالم مجسمه‌سازی تأثیرات قابل  
توجهی بر جای گذاشت، اشاره کرد  
[تئوسنی اسمیت، ۱۳۸۰: ۱۸۷ و

[۱۸۸].

هنر مینی مال آمریکایی به سرعت از  
حد سمت گیری در فعالیت‌های یک  
هنرمند خاص فراتر رفت و جمع وسیعی  
از هنرمندان را شامل شد؛ از جمله: کارل  
آندره<sup>۱۲</sup> (متولد ۱۹۳۵)، ران فلاوین<sup>۱۳</sup>  
(متولد ۱۹۳۳)، رابرت موریس<sup>۱۴</sup> (متولد  
۱۹۳۱) و سول لوویت<sup>۱۵</sup> (متولد  
۱۹۲۳)، و جان مک کل کراکن<sup>۱۶</sup> (متولد  
۱۹۳۴).

اما شاخص‌ترین چهره‌ی این جنبش  
هنسری، دانالد جاد  
(۱۹۲۸-۹۴) بود که خود تجربیاتش را  
در حجم‌سازی مینی مالیستی چنین  
توضیح می‌دهد: «فضای حقیقی سه  
بعدی است و این خصوصیات، آن را از  
توهم و پندار نجات می‌دهد. در حجم  
سه بعدی، از محدودیت‌های نقاشی  
ارو یا خبری نیست. اثر هنری می‌تواند،  
به همان اندازه که تخیل می‌شود، قدرتمند  
و صحیح‌حکم باشد، فضای حقیقی ذاتاً  
بسیار قوی‌تر و ملموس‌تر از آن است که

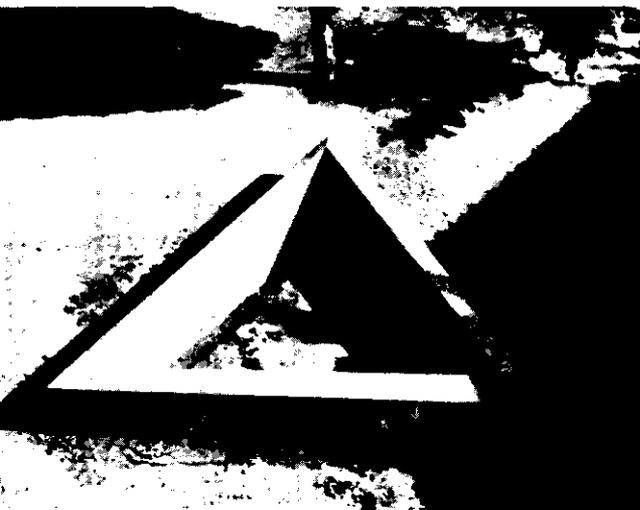
رشد آموزش هنر  
 ۴۹  
 دوره پنجم / شماره چهار  
 تابستان ۱۳۸۷



رابرت ماریس



دونالد جاد، گالری هنری جنوب استرالیا، آدلاید



دونالد جاد، چشم انداز از بالا

نمی‌رووند و البته شاید ابتدایی تر هم به نظر برسند [همان، ص ۱۹۲ و ۱۹۳].

بی‌نوست

1. Minimal Art
2. Constructivist
3. white on white, 1917
4. Yves Klein
5. Piero Manzoni
6. Robert Rauschenberg
7. Agnes Martin
8. Richard Serra
9. Tilted Arc
10. Tony Smith
11. Frank Lloyd Wright
12. Carl Andre
13. Dan Flavin
14. Robert Morris
15. Sol LeWitt
16. John McCracken
17. Donald Judd
18. Daniel Buren

منابع

۱. پاکباز، رویین، آیین‌المعماری هنر (نقاشی) پیکره‌سازی و هنر گرافیک، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.
۲. جلیوز، ایان و ازبوز، هارولد و دیگران، سبک‌ها و مکاتب‌های هنری قرن بیستم، ترجمه‌ی فرهاد کشاورز، عفاف تهران، ۱۳۸۰.
۳. لویی اسمیت، ادوارد، مفاهیم رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم، ترجمه‌ی علیرضا سمیع آذر، نشر نظر، تهران، ۱۳۸۰.

توسط رنگ و نقاشی روی سطح صاف بوم خلق شده [همان، ص ۱۹۰].

در حقیقت، آن چه که مینی مال چیست وجو می‌کرد، مفهومی تازه از نظم ذهنی و تمامیت بخشی بود که در آثار تونی اسمیت به خوبی تجلی پیدا کرد. او قسمتی از یک نظم کامل را از فضایی که برای بیننده قابل تخیل بود ایجاد می‌کرد و از وی می‌خواست تا بقیه‌ی آن را بر اساس تخیلات خود تکمیل کند.

جلوه‌ی دیگری از هنر مینی مال به تکیه‌گذاری در تریف و فضا علاقه نشان می‌داد. این گرایش به جای انکار، استقرار اشیای وحدت یافته در یک محدوده‌ی فضایی، درصدد ایجاد نوعی بزرگی در فضا بود. مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نمونه‌های این گونه از هنر مینی مال را در آثار دانیل برون<sup>۱۸</sup> (متولد ۱۹۲۸)، هنرمند فرانسوی، می‌توان سراغ گرفت.

برخی از آثار هنری مینی مالیستی بچکان در ساده‌گرایی خود سرسختی